



Iran's economy

گزارشی از برگزینی نشست عدالت به مثابه توسعه

اشاره:

فرشاد مومنی عضو هیات علمی دانشگاه علامه و اقتصاددان در یک نشست مجازی با موضوع «عدالت به مثابه توسعه» با اشاره به ضعف ایرانیان در حوزه اندیشه عدالت به عنوان یک تجربه تاریخی گفت: علی رغم این ضعف، ایرانی ها خیلی زود به جمع بندی می رسند و نظم نامطلوب موجود را کنار می زنند اما آن خلا معرفتی آنها را دچار آشفتگی و اختلافات شدید در به وجود آوردن وضع مطلوب می کند.

تحلیل های سطح توسعه می گویند مهم ترین دور باطل باز تولید کننده توسعه نیافتگی، نابرابری، ناامن سازی و نابرابری بعدی است. وقتی که نابرابری ها از حدود متعارف فراتر رفت، اولین پیامد آن این است که جامعه را دچار تزلزل و نااطمینانی می کند

وی افزود: نابرابری های اجتماعی ناموجه، اقتصاد کشور را از یک بازی همکارانه به یک بازی با جمع صفر تبدیل می کند. مهم ترین پیامد غیاب تولید محوری این است که ما با بحران شدت یافته کمیابی روبرو می شویم و این بحران باعث می شود الگوی مسلط مناسبات اجتماعی و اقتصادی به جای اینکه الگوی مبتنی بر همکاری و اعتماد باشد، به سمت ستیز و حذف کشانده شود یعنی افراد از طریق تعارض منافع و تلاش برای حذف رقبای بالقوه دریافت رانت مطامع رانتی خود را پیگیری و حداکثر می کنند.

این دور باطل بزرگترین قدرت توضیح دهنده را به ویژه برای کشورهای توسعه نیافته رانتی دارد. هیچ کشوری را نمی توان پیدا کرد که در غیاب روبرکرد عدالت محوری توسعه، راهی برای نجات داشته باشد. یک دیدگاه سطحی، ناقص و انتزاعی از آدم اسمیت در ایران وجود دارد

مومنی در ادامه خاطر نشان کرد: هیرشمن می گوید اگر اساس ماجرای توسعه روی ادراک جمعی و همکاری جمعی برای تحقق وضعیت مطلوب باشد پس با رویکردهای فردگرایانه نمی توان فهمی از توسعه پیدا کرد لذا یادگیری یک بازی جمعی، فقط در مناسبات عادلانه میسر است.

از این دریچه بحث های خارق العاده ای در تاریخ اندیشه اقتصادی وجود دارد. متاسفانه یک دیدگاه سطحی، ناقص و انتزاعی از آدم اسمیت در میان برخی متفکران ایران وجود دارد و این آشفتگی در ذهن آنهاست که تمایل به بازارگرایی دارند، بسیار تاسف برانگیز تر است.

تصوری که از اسمیت در ایران است به کلی متفاوت است از آنچه که با عنوان دست نامرئی عنوان می شود. اسمیت می گوید دست نامرئی صرفاً در یک بستر عادلانه می تواند موضوعیت پیدا کند و توضیح

شایستگی و صلاحیت را به حاشیه می راند، گفت: بخش اعظم نابرابری‌ها نتیجه سیاست‌های دولت‌ها است.

دیتون به خاطر همین پیام جایزه نوبل گرفت. نکته دوم این است که دولت‌ها در معرض تسخیر شدگی قرار دارند.

ادبیات بسیار وسیعی در این زمینه حاصل شده است. اینکه دولت را در مقابل بازار قرار می‌دهند یک آدرس غلط است.

دنی رودریک می‌گوید بازار بدون وجود دولت قابل تصور و قابل موضوعیت یافتن نیست در نتیجه دعوی بین دولت و بازار، دعوی پوچی است.

ما واقعا با یک خلا معرفتی جدی در این زمینه روبرو هستیم چون علائم و شواهد نگران‌کننده‌ای از تسخیر شدگی نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ملی ما به دست غیر مولدها وجود دارد. دولت تسخیر شده هم‌راستایی بین منافع فردی و جمعی را از بین می‌برد.

*هیچ راهی جز ملی کردن بانک‌های

خصوصی وجود ندارد

وی در ادامه بیان کرد: دارایی‌های پولی و دارایی‌ای مالی در ایران مهم‌ترین کانون نابرابری‌های ناموجه و مهم‌ترین عامل بازتولید نابرابری‌های ناموجه در اقتصاد سیاسی کنونی است.

نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور را فرا می‌خوانم که هر چه زودتر راجع به این مسئله یک فکر عاجل کنند

من به سهم خود طی دوره زمانی انتشار گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ تا امروز بیش از سی بار نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور را به دعوت به مطالعه این گزارش رسمی کرده‌ام.

دقت داشته باشید که ممکن است از نظر کارشناسی نقدهایی به آن گزارش داشته باشیم اما به قاعده اینکه گزارش‌های رسمی سعی می‌کنند نهایت محافظه کاری را رعایت کنند، می‌گویم یافته‌های این گزارش، نشان‌دهنده سر راست‌ترین نکاتی است که می‌تواند راه نجات کشور باشد.

در این گزارش گفته شده به ازای هر یک واحد



مناسبات عادلانه با اعتماد، شفافیت و یادگیری بازی همکارانه پیوستگی دارد پس اگر شما دیدید ساختار نهادی یک جامعه‌ای به تولید پشت کرده است و همزمان ادعای عدالت اجتماعی می‌کنند، بدانید که ادعایی تهی صورت گرفته است.

آن چیزی که برای شرایط کنونی ایران حیاتی است و امیدوارم همه کسانی که که خیرخواه دین خدا، مملکت و مردم هستند به آن توجه داشته باشند این است که از منظر توالی‌ها، ایجاد مناسبات عادلانه در ساخت سیاسی بسیار حیاتی‌تر از حیطه‌های دیگر است.

اینکه یک دولتی به سمت شوک درمانی می‌رود مشخص است که برای غیرمولدها بسترسازی می‌کند که عایدی‌های چشم‌گیر دارایی داشته باشند اما نیروهای مزدبگیر با پدیده جیب‌بری روبرو شوند. وقتی در یک سال تورم ۳۰ تا ۴۰ درصدی رخ می‌دهد، اسم رمز جیب‌بری و سرقت از مردم شناخته می‌شود.

علائم و شواهد نگران‌کننده‌ای از تسخیر شدگی نظام تصمیم‌گیری ما به دست غیر مولدها وجود دارد مومنی با بیان اینکه ناعادلانه شدن توزیع قدرت،

می‌دهد که در آن بستر عادلانه است که با یک آمیزه رقابت و همکاری روبرو هستیم سپس می‌گوید وزن و ضریب اهمیت قابلیت‌های همکاری برای توسعه یافتن در یک جامعه به مراتب بیشتر از عنصر رقابت است.

اسمیت وقتی می‌خواهد مفهوم معجزه همکاری را صورت بندی کند، دو کارخانه کنار هم را مثال می‌زند که در اولی ساختار تولید بر اساس فعالیت‌های منفرد و غیرهمکارانه افراد استوار شده و در کارخانه دوم ساختار تولید بر اساس قاعده همکارانه بنا شده است. اسمیت می‌گوید در یک کشور با یک ساخت سیاسی، فرهنگ، دین و... یکسان کارخانه دوم بازدهی ۲۴۰ برابری نسبت به کارخانه اول داشته است.

*خیرخواهان دین خدا، مملکت و مردم به

عدالت در توزیع قدرت توجه کنند

وی افزود: کانون اصلی بازتولید دورهای باطل توسعه نیافتگی بی‌اعتنایی به مسئله عدالت اجتماعی است و ما تا زمانی که این نقص اندیشه‌ای را جدی نگیریم، نمی‌توانیم به معضل توسعه نیافتگی غلبه کنیم



نقدینگی که از ناحیه حکومت ایجاد می‌شود بانک‌های خصوصی نزدیک به هفت واحد نقدینگی منتشر می‌کنند پس اگر دیدید کسانی گفتند کسری بودجه مشکل اصلی است، یک جورهایی در راستای منافع این الیگارش‌ی ضد توسعه ای که تحت عنوان بانک‌های خصوصی شکل گرفته عمل می‌کنند.

این ماجرا کانون اصلی بهم زدن همه تعادل‌های اقتصادی- اجتماعی در ایران شده است. اگر در خانه کس است همین یک حرف بس است اما داده مهم دیگری وجود دارد که می‌گوید ۸۵ درصد نقدینگی ما سپرده است که از این مقدار ۷۴ درصدش متعلق به یک درصد از سپرده گذاران است یعنی این نابرابری با این ابعاد وحشتناک در هیچ عرصه دیگری از حیات جمعی کنونی ایرانیان مشاهده نمی‌شود بنابراین فوری‌ترین کانون نیازمند اصلاح بنیادی همین حوزه است لذا چون به هیچ وجه در طول تاریخ بانکداری مدرن در ایران به واسطه شرایط خاص اقتصاد سیاسی ایران مقام پولی قادر به نظارت به بانک‌های خصوصی نیست، راهی جز برچیدن بانک‌های خصوصی تا زمانی که آن توان نظارتی به دست بیاید وجود ندارد. مومنی افزود: کشورهای پیشرفته صنعتی بعد از جنگ جهانی دوم به شدت نیازمند ارتقای بنیه تولید ملی بودند و برای اینکه این کار را بکنند، بانک‌های خصوصی را ملی کردند. فکر نکنم عزیزانی که تخصص در برچسب زنی دارند، حکومت‌های فرانسه و انگلیس را کمونیست بدانند!

تجربه‌های دیگری که وجود دارد این است که در گره جنوبی بانک‌های خصوصی را ملی کردند. از همه حیرت‌انگیزتر این است که وقتی بچه‌های شیکاگو که نوجه‌های میلتون فریدمن بودند، شیلی دوره پینوشه را تا آستانه فاجعه جلو بردند، اولین کار پینوشه برای اصلاح این بود که بانک‌های خصوصی را کلی کردند. معنای این نیست که اشتغال کارکنان بانک‌های خصوصی را دچار چالش کنیم.

اینها باید تحت کنترل دولت باشند. تمام شواهد تجارب تاریخی می‌گوید در دوران‌هایی که کانون‌های توزیع رانت‌های غیرمولد توسط دولت مهار شده، تعداد وقوع بحران کمتر و ثبات اقتصاد کلان بیشتر شده است. ما با اذعان به اینکه دولت درماندگی‌ها و کاستی‌های خودش را دارد، می‌گوییم اگر یک دولت توسعه‌گرا

ایران در سال‌های گذشته بین ۵ تا ۷ برابر میانگین جهانی نرخ بهره بوده، شاهد یک تسخیر شدگی وحشتناک است و تا زمانی که بانک‌های خصوصی کار می‌کنند این تسخیر شدگی تداوم خواهد داشت. یک وجه دیگری که نشانه‌ای از تسخیر شدگی را به نمایش می‌گذارد، سیاست‌های غیر مسئولانه مقام پولی است که باید بر بانک‌های خصوصی نظارت کند. ما بررسی کردیم، دیدیم بانک‌های خصوصی تقریباً تمام قوانین مربوط به فعالیت خودشان را زیر پا گذاشته‌اند و مقام پولی نه قادر و احتمالاً نه مایل بوده که اینها را کنترل کند.

بی‌قانونی‌های بسیار وحشتناک و مستمر از بدو تاسیس بانک‌های خصوصی تا الان در زمینه کفایت سرمایه، بنگاهداری، سهام انحصاری سهام داران و... مشاهده می‌کنید.

چقدر تلخ و غم‌انگیز است که ما یک ساختاری را داشته باشیم که جرم‌های خیلی کوچک با خشن‌ترین شیوه‌ها تنبیه می‌کند ولی این بی‌قانونی‌های عربیان و فاجعه ساز را نادیده می‌گیرد.

وی افزود: نشانه بسیار تکان دهنده بعدی امتیازات افراطی قانونی به بانک‌های خصوصی است یعنی نه تنها آنها را تحت کنترل قرار نمی‌دهند بلکه برای دامن

وجود داشته باشد از طریق برانگیختن نظام‌های تخصصی مدنی می‌تواند بر درماندگی‌های خود غلبه کند اما اگر اینکار را نکند و دولت به تسخیر این گروه در بیاید، هم مشروعیت خود را از دست می‌دهد و هم بازی جمعی یک بازی ضد توسعه ای می‌شود.

*جرم‌های کوچک با خشن‌ترین برخوردها مواجه می‌شود اما بی‌قانونی‌های فاجعه ساز بانک‌های خصوصی نادیده گرفته می‌شود

عضو هیات علمی دانشگاه علامه با اشاره به چند مثال در این زمینه، خاطر نشان کرد: به کتابی استناد می‌کنم که مترجم آن وزیر کنونی اقتصاد و ناشران دانشگاه امام صادق(ع) است، البته نمی‌دانم این یک طنز تلخ است یا شیرین!

در آن کتاب می‌گوید اگر دیدید یک کشور بدهکار است و بجای کاهش‌های چشمگیر در نرخ بهره به افزایش تمایل دارد، تردید نکنید که آن دولت به تسخیر رباخوارها در آمده است. امیدوارم وزیر اقتصاد و رییس بانک مرکزی که هر دو از دانشگاه امام صادق هستند و ان‌شاءالله همزمان با اقتصاد، اسلام هم خوانده‌اند و به مسئله ربا واقف هستند، حداقل به این کتاب توجه کنند. وقتی ما می‌بینیم نرخ بهره در

شده است.

معلوم است وقتی شما در نظام پاداش دهی خود بیشترین بازدهی‌ها را به دلال‌ها و رباخوارها می‌دهید، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری نمی‌ماند.

در بخش کشاورزی وضع از بخش صنعت هم بدتر است. به همان اندازه که این شکاف وحشتناک بین ایران و کره وجود دارد، بین ایران و چین وحشتناک تر می‌شود. تقریباً در همین دوره این شاخص در چین ۹۰۰ برابر شده است. پس اینکه می‌بینید در هیچ کجا توسعه رخ نمی‌دهد و یک عده به بحران مشروعیت تن می‌دهند و به وابستگی‌های ذلت‌آور روی می‌آورند از این دریچه حساب کتاب‌های روشنی دارد.

مومنی در پایان گفت: طی سه دهه پس از فروپاشی بلوک شرق سابق ده‌ها کتاب در مقایسه الگوی توسعه چین با الگوی توسعه روسیه منتشر شده است. وقتی که اینها خواستند خصوصی‌سازی کنند دو الگوی متفاوت را در دستور کار قرار دادند. چینی‌ها یک بستر نهادی برای رشد بخش خصوصی مولد مهیا کردند و روس‌ها در عرض کمتر از ۴ سال تمام دارایی‌های مولد را به اسم خصوصی‌سازی در اختیار مافیایها و لیگارش‌ها قرار دادند. چینی‌ها در ۲۰ سال سهم بخش خصوصی را به بیش از ۸۰ درصد افزایش دادند اما کارنامه آن از نظر توزیعی نشان می‌دهد ۷۵ درصد کل جمعیت جهان که از زیر خط فقر خارج شدند، چینی‌ها بودند. در همین مدت در شوروی تعداد فقرا بالغ بر ۵ برابر افزایش پیدا کرد. کاش روزی برسد که دولت و مجلس ما یک مقدار به علم اولویت بیشتری بدهند. گزارش سونامی نقدینگی در اقتصاد ایران می‌گوید از روزی که بانک‌های خصوصی در ایران فعال شدند، در یک دوره ۲۰ ساله اندازه تولید ناخالص داخلی ۳۶ درصد رشد کرده در حالیکه رشد نقدینگی ۱۰ هزار درصد بوده است.

بینید که این میدان دادن به بانک‌های خصوصی چگونه تسمه از گردنه فقر می‌کشد و اقتصاد ایران را اسیر ناپایداری‌های بحران ساز و فاجعه آمیز کرده است بنابراین هدیه به ما به حکومتگران گرامی این است که بیایید برنامه هفتم توسعه را بر محور از بین بردن نابرابری‌های ناموجه و تن دادن به همه لوازم آن تدوین کنید.



تومانی می‌دهند.

آنچه که گفته شد مقام پولی قادر به اعمال نظارت و کنترل بانک‌های خصوصی نیست، علاوه بر اینها که گفته شد، یک گواه دیگر مبنی بر شاخص جهانی نوآوری است که هر ساله منتشر می‌شود.

در آنجا از نظر میزان تنظیم گری بازار پول و سرمایه می‌گوید ایران تقریباً رتبه آخر را در این زمینه دارد. فکر می‌کنم فقط خود این یک عبارت برای اهل فن کفایت می‌کند.

این اقتصاددان نهادگرا به تعریف کلاسیک از فساد توسط سوزان رز-آکرمن اشاره کرد و گفت: به جای اینکه شما برخورد انفعالی شخص محور را در دستور کار قرار دهید، رویکرد نشانه شناختی را دنبال کنید. فساد نشانه پشت کردن نظام تصمیم‌گیری به الزامات تولید فناورانه است و از این دریچه وقتی شما مسائل ایران را نگاه می‌کنید، داده‌های تکان‌دهنده‌ای وجود دارد. برای مثال بر اساس داده‌های بانک جهانی، بزرگترین بحران در ایران، بحران تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات بود. نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ماشین‌آلات در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۳ در ایران ۱۰ برابر شده اما در همین دوره اندازه تشکیل سرمایه ناخالص ماشین‌آلات در کره جنوبی ۶۴۱ برابر

زدن به این التهاب‌ها و بحران‌ها، گویی مسابقه‌ای برای دادن امتیازات غیرعادی به اینها وجود دارد. دفتر پژوهش‌های اقتصاد و توسعه اتاق مشهد یک گزارشی منتشر کرده است که فهرست این امتیازات ضد توسعه‌ای و ناعادلانه‌کننده رقابت بین بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی را ذکر کرده است.

یکی از آنها با آن کتابی که آقای خاندوزی ترجمه کرده قرابت دارد و به این شرح است که بانک‌های خصوصی اجازه داشته باشند برای جذب سپرده‌ها نرخ بهره بیشتری بپردازند.

نشانه دیگر نحوه برخوردی بود که در دولت قبل توسط سران سه قوه با موسسات مالی غیرمجاز انجام دادند. به قیمت‌های آن روز ۳۵ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های بین نسلی این ملت را با گشاده دستی تحت عنوان ساماندهی موسسات مالی غیرمجاز بین آنها توزیع کردند که واقعا یک نقطه عطف تلخ و غم‌انگیز بود.

در همان ایام من گفته بودم که آقای رییس‌جمهور وقت ادعا می‌کنند که حقوق دان هستند. چقدر غم‌انگیز است که یک حقوق‌دان به همراه رییس دو قوه دیگر بجای متوقف کردن و تنبیه کسی که کار غیرمجاز کرده است، به او جایزه ۳۵ هزار میلیارد